



کتاب سال

زنان ایرانی در سال ۹۴





کتاب سال

زنان ایرانی در سال ۹۴





حق انتشار محفوظ و متعلق به کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران می باشد

از انتشارات کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران

www.women.ncr-iran.org
[facebook.com/ NCRI Women's Committee](https://facebook.com/NCRI%20Women's%20Committee)
[@ncri_women_comm](https://twitter.com/@ncri_women_comm)

فهرست مطالب

۹	اعدام ها
۱۳	رفتار غیر انسانی و مجازات‌های بیرحمانه
۱۶	دستگیری های خودسرانه
۲۱	زندان و زندانیان
۳۰	نقض حقوق و آزادی های اولیه
۳۹	سرکوب اقلیت های قومی و مذهبی
۴۳	اعتراضات زنان

مقدمه

به رغم توافق اتمی، گشایش به سوی غرب و برداشته شدن تحریمها، رویدادهای سال ۲۰۱۵ میلادی ثبات بیشتری برای رژیم آخوندی در ایران به دنبال نداشت. برعکس، با بالا رفتن فشار روی اکثریت مردم به خاطر فقر و گرسنگی، آنها ناآرام تر شده اند. به منظور سرکوب جامعه و حفظ کنترل بر کشور، ملایان اقدامات سرکوبگرانه و اختناق آفرین بیشتری به عمل آوردند. همانطور که انتظار میرود، زنان بیشترین بار این فشار و اقدامات سرکوبگرانه را متحمل می شوند.

نیروهای جدید سرکوبگر از جمله گشتهای ۱۰ نفره ارشاد تشکیل شدند تا نظارت بیشتری بر زنان اعمال کنند. اجرای طرح های «عفاف و حجاب»، جریمه کردن زنانی که در حین رانندگی موهای خود را کامل نمی پوشانند، جداسازی محیطهای شهری، ممنوع کردن استخدام زنان برای شغل های مشخص و البته دستگیری و بازداشت زنانی که خواستار حقوق بنیادین و انسانی خود می باشند از جمله صدها اقدام و هزاران نیرویی است که برای محروم کردن زنان از حقوق پایه و آزادیهایشان انجام شد. زنان همچنان به طور سیستماتیک از وارد شدن به استادیومهای ورزشی، اجرای کنسرت، خوانندگی و شرکت در فعالیتهای اجتماعی برابر محروم می باشند.

سال گذشته رژیم تهران ۹۳۳ نفر را اعدام کرد که ۵۶۰ مورد آن مخفیانه بوده است. ۱۸ نفر از اعدام شدگان زن بودند. رویهمرفته در دوران روحانی ۶۳ زن اعدام شده اند.

بر خلاف همه قوانین بین المللی، نیروهای امنیتی و بسیج و مأمورین لباس شخصی در دانشگاهها مستقر شدند تا زنان جوان را به لحاظ رعایت حجاب اجباری زیر نظر داشته باشند و جداسازی جنسیتی و سایر محدودیتهای اعمال کنند. تبعیض علیه اقلیت های ملی و مذهبی هم شدت گرفت. زنان مسیحی و بهائی به تعداد زیاد بازداشت و یا از دانشگاه اخراج شدند و به رغم نمرات عالی از حق ادامه تحصیل محروم شدند.

اما آخوندها نتوانستند خواست زنان ایران برای یک زندگی دموکراتیک و برابر را مهار کنند و آنها در خط مقدم همه اعتراضات آزادیخواهانه حضور دارند.

در سال ۱۳۹۴ زنان از جمله پرستاران، معلمان، دانشجویان و مادران و خانواده های زندانیان سیاسی به طور گسترده در اعتراضات ضدحکومتی شرکت داشتند. زنان ایرانی به مثابه نیروی تغییر به تسلیم به قوانین زن ستیزانه رژیم ایران تن نداده اند. این کتاب تلاشی است برای ترسیم تصویری کوچک از واقعیت عظیمی که در ایران امروز در جوشش است.

اعدام

در ایران

Women Executed in



IRAN

Under Rouhani



**Total Women
Executed:**

63

اعدام

مقدمه

اعدام زنان در ایران، در سال میلادی ۲۰۱۵ ادامه داشت. در دوره روی کار آمدن روحانی (اوت ۲۰۱۳ تا کنون) در مجموع ۶۳ زن در ایران اعدام شده اند.

آنچه که موضع گیری دبیرکل سازمان ملل و نیز ارگان هایی چون عفو بین الملل را به دنبال داشته است^۱. در زیر، شماری از اعدام های صورت گرفته در سال ۲۰۱۵ که در رسانه های رسمی و یا غیررسمی قابل دسترسی بوده، می آید. طبعاً آمار حقیقی، بسا بیشتر از این است:

- در جریان یک اعدام جمعی، ۱۲ زندانی در زندان قزلحصار به دار آویخته می شوند. در میان اعدام شدگان، دو زن وجود دارند. از اسامی و هویت آنها خبری منتشر نشده است. (۹۳/۱۲/۱۶)
- ۲ زن زندانی در قرچک ورامین بدار آویخته می شوند. یکی از این دو، فاطمه مهربانی حدوداً ۳۹ ساله متأهل و دارای ۲ فرزند می باشد. وی حدود ۵ سال زندانی بوده است. (۹۴/۳/۱۲)
- پردیخت مولایی فر - ۴۳ ساله در زندان قزل حصار کرج به دار آویخته می شود. وی مادر یک فرزند است. این زندانی، ۳ سال را در بند مشاوره قرچک ورامین به سر برده است. (۹۴/۵/۷)
- یک زندانی زن در گوهردشت کرج به دار آویخته می شود. وی فاطمه حدادی نام دارد، ۳۹ ساله و دارای یک فرزند دختر است. فاطمه حدادی هشت سال را پشت میله ها گذرانده است. (۹۴/۵/۱۹)
- دختر جوانی در شیراز اعدام می شود. او، فاطمه سالبهی نام دارد. فاطمه در هنگام جرم انتسابی ۱۷ سال سن داشته است. اعدام او در ۲۱ مهر ۹۴ در زندان عادل آباد صورت گرفته است. این در حالی است که عفو بین الملل، یک روز پیش از این و در ۲۰ مهرماه، نسبت به اعدام قریب الوقوع این زن جوان، هشدار داده بود. فاطمه متولد آبان ۱۳۷۰ است. او در سن ۱۶ سالگی با

-
- ^۱ بیانیه عفو بین الملل: به دنبال اعدام فاطمه سالبهی - زن جوان اعدامی، بان کی مون دبیر کل ملل متحد از ایران خواست تا به اعدامها توقف دهد. اطلاعیه‌یی از جانب دبیر کل ملل متحد در این رابطه خاطر نشان می ساخت: «دبیر کل، مخالفت ملل متحد نسبت به بکارگیری حکم اعدام را یادآوری کرده، و به دولت ایران فراخوان می دهد تا با دیدگاهی جهت لغو کامل حکم اعدام به اعدامها توقف دهد.» (۹۴/۷/۲۸)
 - بیانیه عفو بین الملل - عنوان: «ریاکاری ایران با حکم اعدام افشا می شود» - سید بومدوها، معاون مدیر برنامه خاورمیانه و شمال آفریقا در عفو بین الملل گفت، «ایران یکی از نادر کشورهای است که هنوز متخلفین زیر ۱۸ سال را اعدام می کند، و این نقض آشکار ممنوعیت قانونی تمام عیار بکارگیری حکم اعدام علیه افرادی که در زیر سن ۱۸ سالگی مرتکب جرم شدند می باشد. با وجود برخی اصلاحات، ایران کماکان پشت سر بقیه ارگان های جهان به کندی حرکت کرده و قوانینی را حفظ می کند که صدور حکم اعدام برای دختران ۹ ساله و پسران ۱۵ ساله را مجاز می کند.» (۹۴/۱۱/۶)

- مردی ازدواج کرده بوده که حدود سی سال سن داشته و به گفته وی تا پیش از ازدواج هرگز وی را ملاقات نکرده بوده است. در فروردین ۱۳۸۸ پس از آن که جسد همسرش در منزل مسکونی‌شان پیدا شد، فاطمه به‌عنوان متهم بازداشت و تحت بازجویی قرار گرفت. وی پس از مدتی به‌رغم ابهامات موجود در پرونده به اعدام محکوم شد. (۹۴/۷/۲۲)
- روز پنجشنبه ۲۱ آبان‌ماه یک زن زندانی به نام هاجر صفری در محوطه زندان مرکزی تبریز اعدام می‌شود. (۹۴/۹/۳)
 - منابع حکومتی از اعدام یک زن در زندان مرکزی قزوین خبر می‌دهند. هویت وی، «ف.زنجانیان» عنوان شده است. به گفته دادستان عمومی قزوین، متهم، پیش از اعدام به ۹۹ ضربه شلاق نیز محکوم شده است. (۹۴/۹/۱۵)



رفتار غیر انسانی
و
مجازات‌های بی رحمانه
در ایران

شکنجه و مجازاتهای بیرحمانه

مقدمه

در سالی که گذشت، احکام سنگسار، شلاق و نیز تحقیر و ضرب و جرح زنان، نشانه های آشکاری بود بر ادامه نقض حقوق بشر و فشار مضاعف بر آنان در ایران. اسیدپاشیدن بر سر و صورت زنان بی دفاع نیز که به بهانه بدحجابی و ایجاد رعب صورت می گرفت در ادامه روند مرگباری که از مهر سال ۹۳ جریان داشت، در سال جاری نیز ادامه یافت.

برخی از نمونه ها:

خبرگزاری ها در ایران در روز ۱۸ آذر خبر از اعطای حکم سنگسار به یک زن جوان دادند. آنها نوشتند که در صورت عدم اجرای حکم رجم نیز، متهم بعنوان مجازات جایگزین، به اعدام محکوم خواهد شد. (سایت سیاهکل - ۹۴/۹/۱۸)



در نمونه ای دیگر، یکی از زنان فعال در گروه عرفان حلقه - معصومه ضیاء به ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. اتهام او صرفاً شرکت در یک گردهمایی مسالمت آمیز بود که با هدف تغییر در قوانین تبعیض آمیز علیه زنان برگزار می شد. (۹۴/۳/۲۳)

فشار بر زنان، در سال ۲۰۱۵ به این نمونه ها محدود نبود. در اقدامی بسیار تحقیر آمیز، ماموران امنیتی در تهران، در روز ۵ مردادماه، ۳ زن و دو مرد را در حالی که به دست و پایشان زنجیر بسته بودند، در خیابان ها چرخاندند. اقدامی که اعتراض شاهدان را برانگیخت. (۹۴/۵/۵)

در یک نمونه بارز، نسرين ستوده^۲ وکیل و فعال حقوق بشر به صراحت اعلام کرد که به اسیدپاشی، مثله شدن و مرگ تهدید شده است. وی در این باره گفت: «از شروع تحصن در مقابل دفتر کانون و کلا بارها مورد تهدید قرار گرفتم. حتی یک بار، موتور سواری من را تهدید به اعدام کرد. طی ماههای تحصنم، سه بار ماموران اطلاعات من را به همراه همسرم بازداشت کردند. در همان روزها تلفنی هم به من شد که فردی خودش را مامور اطلاعات معرفی کرد و خواست من از مصاحبه با رسانه های خارجی خودداری کنم... طی دو ماه مکرراً پیامک های تهدید آمیز دریافت می کردم که



۲ نسرين ستوده برنده جایزه حقوق بشر ساخاروف از پارلمان اروپا در ۲۶ اکتبر ۲۰۱۶ است

در آن فرستنده، با طرح خواسته های نامشخصی می گفت اگر این خواسته ها را اجابت نکنم به اسیدپاشی، مثله کردن و مرگم می انجامد. اینها مشکلاتی بود که من این مدت با آنها مواجه بودم.»

فشار بر خانواده و بستگان زندانیان و یا فعالین مدنی جهت وادار کردن آنها به تمکین خواست های حکومت، از دیگر وجوه فشار و تهدید بر زنان بود.



در این باره، فرزند و همسر محمدعلی طاهری جهت اعتراف گیری، زیر شدیدترین فشارها قرار داده شدند. آذردخت طاهری، خواهر محمدعلی طاهری گفت که همسر طاهری بازداشت شده و او را زیر فشار برده اند. به همسرش در مقابل چشمانش تعدی کرده اند. به فرزندش تعدی کرده اند. همسر طاهری بر اثر این فشارها، ۴ بار دست به خودکشی زده است. (۹۴/۵/۲۲)

نمونه تکاندهنده دیگر، هجوم نیروهای امنیتی برای بازداشت یک فعال مدنی در اندیمشک در استان خوزستان بود که باعث سقط جنین همسر او شد. وی، شاپور رشنو نام داشت و به اتهام فعالیت کارگری بازداشت می شد. (۹۴/۷/۲)



موضوعی که می توان در عداد بیرحمانه ترین رفتارها با زنان آن را دسته بندی کرد، پدیده «اسیدپاشی» بود.

آنچه که عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس رژیم، ابوالفضل ابوترابی به صراحت اذعان کرد که ادامه داشته و با رقمی قابل توجه همراه بوده است. ابوترابی گفت، «طی یک سال، ۳۰۰ مورد اسیدپاشی در ایران صورت گرفته است. در این اقدام، کاستی دیده نمی شود!» (سایت حکومتی سلامت نیوز - ۹۴/۴/۲)



دستگیری های خودسرانه

دستگیری و بازداشت خودسرانه

دستگیری و بازداشت زنان و دختران جوان در ایران، در سال ۲۰۱۵ نیز در عداد سالهای پیشین، به بهانه هایی چون شرکت در تجمع های اعتراضی، انجام فعالیت های مدنی، فعالیت در محیط های اجتماعی، بدحجابی و عدم رعایت قوانین سرکوبگرانه، شرکت در جشن های مختلط و یا روزه خواری، ادامه داشته است.

دستگیری ها، همپا با سرکوب های خیابانی، افزایش گشت های امر به معروف و نیز مامورانی که با هدف اعمال کنترل بیشتر بر زنان سازماندهی می شوند، صورت گرفته است. آنچه که احمد شهید - گزارشگر ویژه ملل متحد در امور ایران نیز بر آن صحنه گذاشته و نگرانی عمیق خود را در خصوص دستگیری های خودسرانه در ایران بیان کرده است.^۳

طی سال ۲۰۱۵، شماری از نمونه های دستگیری و بازداشت که در رسانه ها بازتاب یافت، شامل این موارد بوده اند:

دستگیری به جرم فعالیت مدنی

اطلاعات سپاه پاسداران تعدادی از فعالان حقوق زنان را در تهران بازداشت کرد. این نهاد اطلاعاتی همچنین تعدادی دیگر از فعالان این حوزه را احضار یا تهدید نموده است. زهرا خندان، روزنامه نگار و فعال سابق دانشجویی دانشگاه صنعتی امیر کبیر از جمله این بازداشت شدگان است. (۹۳/۱۰/۳۰)



ندا مستقیمی - فعال مدنی و از حامیان مادران پارک لاله، روز ۱۴ اردیبهشت، در محل کارش توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. ندا مستقیمی در آذرماه ۱۳۸۹ در جریان بزرگداشت سالروز تولد امیر ارشد تاجمیر در بهشت زهرا بازداشت و به سه سال حبس محکوم و با وثیقه صد میلیونی تا زمان اجرای حکم آزاد شد. (۹۴/۲/۱۵)



^۳ احمد شهید - گزارشگر ویژه ملل متحد: «بازداشت روزنامه نگاران و مدافعان حقوق بشر باعث تضعیف حفاظت از حقوق بشر برای همگان در ایران میشود». «بکارگیری مستمر اتهامات مبهم تهدید برای امنیت ملی، تبلیغات علیه نظام و توهین به مقامات جهت تعقیب و بازداشت روزنامه نگاران یا فعالان، با استانداردهای بین المللی مربوط به آزادی های بیان و برگزاری تجمعات، و اصل قانونی بودن اقدامات، در تناقض میباشد» (دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد - ۹۴/۳/۱۵)



روز سه شنبه ۱۷ شهریورماه ماموران امنیتی با یورش به منزل "ژیلا نگهدار" فعال مدنی در سنندج اقدام به بازداشت وی کردند. در پی مراجعه خانواده ژيلا نگهدار به اداره اطلاعات، ماموران با بی احترامی، خانواده وی را از اداره بیرون کرده و به آنان گفته اند که ژيلا نگهدار فعلا در بازداشت اطلاعات خواهد ماند. (۹۴/۶/۲۱)



زینا پورحیب از فعالین و مدرسین عرفان حلقه نیز به جرم فعالیت مدنی، بازداشت شد. این فعال مدنی پس از دستگیری به زندان اوین منتقل گردید. (سایت حکومتی ماف نیوز ۹/۱۰/۹۴)

دستگیری به جرم فعالیت اینترنتی

در ۱۹ شهریور ۹۴ ماموران امنیتی ۳ تن از فعالان اینترنتی را در شهرستان محلات استان مرکزی دستگیر کردند. اتهام آنها گذاشتن مطالب ضد نظام بر روی اکانت هایشان اعلام شد. یکی از دستگیرشدگان، دختر دانشجویی به نام نرگس - ف معرفی شد. وی دانشجوی فناوری و اطلاعات از دانشگاه آزاد کرج بوده است. (۹۴/۶/۲۳)

رئیس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات فرماندهی انتظامی استان گیلان، از شناسایی و دستگیری یک زن ۳۵ ساله در شهر رشت خبر داد. اتهام وی، فعالیت تبلیغی در شبکه اجتماعی اینستاگرام عنوان شد. (سایت حکومتی خبر فارسی - ۱۹/۷/۹۴)

دستگیری به اتهام روزه خواری



معاون اجتماعی نیروی انتظامی آذربایجان شرقی از دستگیری، ۹۲ دختر و پسر در کافی شاپ هتل شهریار تبریز خبر داد. وی دلیل دستگیری آنها را روزه خواری عنوان کرد. به گفته وی، در این میان، ۹۲ نفر که ۴۱ دختر و ۵۱ پسر اهل تبریز بودند، دستگیر و بعد از تشکیل پرونده تحویل مقامات قضایی شدند. (خبرگزاری حکومتی فارس - ۹۴/۴/۲)

بازداشت در میهمانی و به جرم شادی



دادستان پردیس خبر داد، در جریان انهدام یکی از بزرگترین پارتی های شبانه در شرق تهران، ۸۹ نفر دستگیر شدند. حیدر فتاحی گفت: برپاکنندگان این مراسم از طریق شبکه های اجتماعی نظیر وایبر، واتس آپ، لاین، تانگو، اینستاگرام و ... اقدام به دعوت از افراد مختلف برای حضور در این جشن می کردند. در این عملیات، ۴۲ مرد و ۴۷ زن دستگیر شدند. (خبرگزاری حکومتی فارس - ۵/۳/۹۴)



۵۰ دختر و پسر در باغی اطراف حومه شهر دزفول به اتهام شرکت در یک مهمانی شبانه بازداشت شدند. از این تعداد، ۲۶ نفر از دختران جوان بودند. سن آنها، از ۲۰ تا ۲۵ سال گزارش شده است. (سایت حکومتی تابناک - ۹۴/۴/۳۰)

دادستان طرقله و شانديز نسبت به برگزاری مجالس شادی هشدار داد و گفت که طی روزهای اخیر با ۲ مورد از این گونه مجالس که در طرقله برگزار شده بود برخورد شده است. به گفته وی، در این میان، زنی که با ارسال پیامک به شهروندان، چنین مجلسی را در یکی از باغ تالارها برپا کرده بود، بازداشت شد. این مقام حکومتی همچنین تهدید به حبس های طولانی کرد و گفت: عامل یا عاملان این فعل مجرمانه تا ۱۰ سال زندان خواهند گرفت. (سایت حکومتی فرارو - ۹۴/۶/۲)

دستگیری در تجمع های اعتراضی

شماری از حامیان محمدعلی طاهری - رهبر گروه عرفان حلقه در مقابل دفتر حقوق بشر در تهران تجمع اعتراضی کردند تا مخالفت خود را با حکم اعدام او بیان کنند.



با توجه به حضور گسترده زنان در این تجمع اعتراضی، حکومت تعداد قابل توجهی از زنان چادری، مجهز به سلاح و دستبند را به محل آورده بود. در جریان این تجمع، شماری از زنان دستگیر شدند. اسامی تعدادی از آنها به این قرار است: پاییز امینی، معصومه افشار، مهناز رجبی، ملیکا کاوندی، فاطمه خوانساری، رویا ارباب، کبری قایم مقامی، مینا امیر واعظی، فاطمه شکرانی، فریبا نیا و خانم باقری. (۹۴/۵/۱۵)



صبح ۲۵ مرداد، گروهی از زنان معترض به حکم اعدام محمدعلی طاهری در مقابل داد گستری تهران گرد آمدند. ماموران امنیتی و لباس شخصی ها برای پراکنده کردن معترضین به ضرب و شتم و استفاده از باتوم و گاز اشک آور و همچنین شلیک تیر هوایی روی آوردند. آنها دهها تن را در جریان این تجمع، بازداشت کردند. اسامی برخی از بازداشت شدگان: اکرم دوستی، هاله مقصودی، سیما شکرانی، رها تبار، مریم امیری، افشار، افضل، فرینام، لیدا مکر میان، ثریا بهبودی باقری، نوشین محمدی، لیلا جعفری، زهرا خوشنویسان، نازنین سرچشمه، شهناز اسماعیلی، مهناز طاهری، رئیسی، بنفشه محمدی و زهره صمدی است. (۹۴/۵/۲۶)



پروین سلیمانی به اتهام شرکت در تجمع اعتراضی به حکم اعدام محمد علی طاهری دستگیر شد. سلیمانی طی سالهای اخیر سه بار به اتهام شرکت در تجمعات اعتراضی در حمایت از محمد علی طاهری بازداشت شده است. (۹۴/۵/۲۶)



زندان و زندانیان در ایران

زندان

بازداشتگاه‌های زنان در ایران، اتاق‌های بازجویی و شکنجه و حبسی را شامل می‌شوند که زندانی در آن از حداقل حقوق خود، محروم است.

در این زندان‌ها، زنان از امکان برخورداری از هرگونه وکیل و حق دادرسی، محروم هستند. امکان ملاقات با فرزندان و بستگان‌شان نیز، از آنها گرفته می‌شود. بسیاری از آنان علیرغم گذران ماه‌ها و سالهای طولانی در حبس و یا سلول انفرادی، امکان ساده‌ترین تماس با فرزندان و اعضای خانواده‌شان را نمی‌یابند و از این طریق، زیر شکنجه روحی مستمر قرار داده می‌شوند. در ایران، زنان زندانی از امکان دریافت خدمات پزشکی ضروری، منع می‌شوند. در بسیاری موارد، علیرغم وضعیت جسمانی و توصیه‌ی اکید پزشکان به ضرورت برخورداری از مرخصی، از بیمارستان به زندان بازگردانده می‌شوند. از سوی دیگر، محرومیت‌های بهداشتی و استقراری در زندان‌ها معضل دیگری است که گریبانگیر زنان می‌باشد. آنها از حداقل امکانات بهداشتی برخوردار نیستند. آنچه که خود، باعث بروز و تکثیر بیماری‌های واگیردار در زندان می‌شود. گزارشات رسیده از زندان‌ها، بازتاب این واقعیت تلخ است:

- زندان زنان در زاهدان: «تعدادی از زندانیان در این زندان فراموش شده هستند. هیچ تحرکی برای آزادی یا رسیدگی به وضعیت آنان وجود ندارد. از میان زندانیان زن در بند نسوان، سه زن زندانی محکوم به اعدام را می‌توان نام برد. این زندانیان هیچ منبع درآمدی برای امرار معاش خود ندارند و در بدترین شکل معیشتی در داخل زندان، شبانه روز را سپری میکنند. (۹۴/۹/۱۹)
- زندان قرچک ورامین: «زندان قرچک ورامین از تعدادی سوله تشکیل شده است. در این سوله‌ها تقریباً حریم خصوصی برای زنان زندانی وجود ندارد. همچنین امکان تهویه بسیار محدود می‌باشد و به دلیل نگهداری تعداد زیادی زندانی، در مواقعی، نفس کشیدن هم برای بازداشتیان مشکل می‌شود. در اواخر خردادماه، آب زندان قطع شد. زنان از امکان استحمام و استفاده از سرویسهای بهداشتی محروم بودند. در مردادماه نیز بالا آمدن فاضلاب در هواخوری زندانیان و انتشار بوی تعفن حاصله از تخلیه زباله‌ها و وجود حشرات موذی در زندان زنان «قرچک ورامین» (شهر ری)، شرایط را برای زندانیان سخت و طاقت‌فرسا کرده بود. زنان زندانی با عدم پاسخگویی و رفتارهای توهین‌آمیز مسولین روبرو بودند». (۹۴/۵/۳۱)
- زندان زنان در ارومیه: «در بند زنان زندان ارومیه، حشرات موذی زیادی وجود دارد. آنچه که زندانیان را به شدت آزار می‌دهد. عدم توجه مسئولان زندان ارومیه به مسایل بهداشتی و نظافتی زنان زندانی و از طرف دیگر محدودیت زندانیان برای رفتن به بهداشتی، مشکلات عدیده‌ای را برای زندانیان بند زنان ایجاد کرده است». (سایت حکومتی ماف نیوز - ۹۴/۵/۱۷)

شمار قابل توجهی از زنانی که این روزها در زندان‌ها محبوس هستند، قربانی فقر و محرومیتی هستند که دولت بر آنها تحمیل کرده است. محمدعلی ساری از مقامات حکومتی، با اعتراف به این امر گفته است: «اکنون ۲۰۰ زندانی زن جرایم غیر عمد در زندان‌های کشور دوران محکومیت خود را سپری می‌کنند. این زنان بیشتر به علت محکومیت‌های مالی و ناتوانی در پرداخت آن در زندان‌ها تحمل حبس می‌کنند». (سایت حکومتی عصر ایران - ۹۴/۴/۱۵)

شماری دیگر، به دلیل فعالیت‌های مدنی و دفاع از جنبش‌های برابری، به زندان افتاده‌اند. در میان آنان هنرمندان، فعالین حقوق کودک، فعالین سیاسی و آزاداندیشانی دیده می‌شوند که تنها خواست‌شان، آزادی بوده است. اما پاسخ خود را در حبس و فشار و بازداشت طولانی‌تر، گرفته‌اند.

در این خصوص، همچنین باید به وضعیت مادرانی اشاره کرد که کودکان خردسال‌شان را در سخت‌ترین شرایط در حبس، نگهداری می‌کنند. آنان در معرض فشاری مضاعف هستند. شکنجه‌ای روحی که هر ساعت با مشاهده وضعیت فرزندان خردسالشان بر آنها وارد می‌شود؛

در این جا و در حبس، کودکان نیز، خود به نوعی در معرض فشاری سیستماتیک قرار دارند. آنها هر روز به جای عاطفه مادرانه، بدن‌های رنجور و شکنجه‌شده مادر ی را شاهد هستند که هدف حمله و توهین بازجویان و شکنجه‌گران قرار گرفته است. مادری که گاه بر اثر محرومیت از درمان ضروری، فاصله چندانی تا مرگ ندارد.

نقض فاحش حقوق بشر و به خصوص شکنجه و بازداشت‌ها در ایران، موضوع گزارش ۹ فوریه ۲۰۱۶ عفو بین‌الملل بوده است. در این گزارش، مالکوم اسمارت، مدیر برنامه خاورمیانه و شمال آفریقا بر عفو بین‌الملل تصریح کرده است که ۳۰ سال پس از گذشت انقلاب در ایران که به سقوط دیکتاتوری شاه منجر شد، کماکان شکنجه و اعدام، ادامه یافته است.

نگاهی به وضعیت و شرایط بازداشتیان در ایران:

نرگس محمدی:



نرگس محمدی - نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر، عضو کارزار لغو گام به گام اعدام، کانون شهروندی زنان و رئیس هیأت اجرایی شورای صلح ایران است.^۴ وی اولین بار در سال ۸۹ دستگیر شد. نرگس محمدی دو فرزند دختر و پسر دارد که دوقلو می‌باشند. وی در اردیبهشت ۹۱ بار دیگر دستگیر شد و به علت بیماری، پس از مدتی آزاد گردید. این فعال مدنی برای بار دیگر در اردیبهشت سال ۹۴ با یک پرونده جدید به زندان برده شد.

^۴ نرگس محمدی در ۱۵ آبان ۹۴ بعنوان یکی از برندگان جایزه سال ۲۰۱۵ گالیله، رسماً مورد قدردانی قرار گرفت. وی همچنین در تاریخ ۲۵ آذر ۹۴ به‌عنوان شهروند افتخاری شهر فرهنگی ریکسانسارت در بلژیک معرفی شد.

روند زندان و دادرسی نرگس محمدی:

۱۶ تیر ۹۴- دادگاه نرگس محمدی که قرار بود روز دوشنبه ۱۵ تیرماه در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران برگزار شود، بدون هیچ توضیحی برگزار نشد. وزارت اطلاعات با فراهم کردن اتهام‌های جدید، درخواست اشد مجازات را بر پرونده قضایی نرگس محمدی نشانده. برادر نرگس گفت: «وزارت اطلاعات به دلیل متنبه نشدن نرگس، برایش تقاضای اشد مجازات کرده است. چند اتهام تازه نیز به پرونده او اضافه شده از جمله اتهام عجیب همکاری با داعش! گمان ما بر این است که دلیل چنین اتهامی، مخالفت خواهرم با اعدام چند سنی‌مذهب و درخواست رعایت انصاف و عدالت در دادرسی آنها از سوی مقامهای قضایی بوده است».

۲۹ تیر ۹۴- علی و کیانا دوقلوهای هشت ساله نرگس محمدی در روز ۲۶ تیر، ایران را ترک کردند. نرگس محمدی در نامه‌ای، آزارهای وارده بر خود را شرح داد. او سختی جدایی از آنها را، به مادر موسی که نوزادش را به نیل سپرد، تشبیه کرد. وی درباره دوره‌ای که در زندان و در سلول انفرادی بود نوشت: «تمام مدتی که ۲۰۹ بودم، نه گذاشتند صدای بچه‌هایم را بشنوم و نه اجازه دادند آنها را ببینم. محرومیت از دیدن عزیزانم بی‌شبهت به جان‌کندن نبود. جمله بازجوییم را ده بار مرور کردم: "محرومیت‌های بیشتری خواهی پرداخت" اما آنچه در این سلول‌ها با زنان و به ویژه با مادران روا داشتند "محرومیت" نبود، جنایت بود».

۷ مرداد ۹۴- علیرغم نیاز مبرم نرگس محمدی به استفاده از داروهای خاص، رییس بهداری اوین، از دادن داروها امتناع کرد. نرگس محمدی، به بیماری آمبولی ریه و فلج عضلانی مبتلا است و مصرف دارو، برای وی حیاتی می‌باشد.

۱۱ مرداد ۹۴- خانم محمدی پس از هشت ساعت که دچار فلج عضلانی شده بود به بیمارستان طالقانی منتقل شد، اما با آن که پزشکان بیمارستان اعلام کردند که باید تحت نظر پزشک متخصص قرار گیرد، مقام‌های مسئول قضاییه او را به زندان بازگرداندند.

۱۸ مرداد ۹۴- تلاشها برای رساندن داروهای نرگس محمدی از سوی خانواده‌اش به نتیجه ای نرسید.

۲۲ مرداد ۹۴- وضعیت نرگس محمدی، به دلیل ممانعت قضاییه از درمانش، رو به وخامت رفت.

۲۷ شهریور ۹۴- محمدی نسبت به ممنوعیت تماس تلفنی‌اش با فرزندان و همسرش اعتراض کرد. وی گفت: «تاکنون که دو ماه می‌شود، اجازه هیچ‌گونه تماس تلفنی و صحبت کردن با فرزندانم به من داده نشده است... در بند زنان اوین که ۲۰ زن و مادر در آن نگهداری می‌شوند، تلفنی وجود ندارد و در شرایط «کاملاً استثنائی و بسیار حاد»، امکان یک تماس تلفنی آن‌هم در ساختمان خارج از بند و در دفتر حفاظت یا اجرای احکام و در حضور مأموران برقرار می‌شود».

۶ مهر ۹۴- روز ۴ مهر نرگس محمدی جهت انجام آزمایش ام آر آی به بیمارستان اعزام شد اما علیرغم توصیه مجدد پزشکان، به زندان بازگردانده شد.

۲۲ مهر ۹۴- به فعالین سیاسی و مدنی، اجازه ملاقات با نرگس محمدی در بیمارستان ایران مهر، داده نشد. مامورین امنیتی، مانع شدند. **۱۲ آبان ۹۴-** نرگس محمدی مجدداً از بیمارستان به زندان اوین بازگردانده شد. انتقال وی در حالی صورت گرفت که پزشک‌های معالج بر عدم حبس او تاکید داشتند.

۲۸ آذر ۹۴- نرگس محمدی از تشکیل پرونده‌ای دیگر برای خود در دادرسی اوین خبر داد. وی گفت که چند روز پیش به طور ناگهانی به دادرسی مستقر در زندان اوین احضار شده است.

۲۳ دی ۹۴ - نرگس محمدی بار دیگر، از دریافت داروهای ضروری خود محروم شد. این زندانی در شرایط نگران کننده ای به سر می برد.

زینب جلالیان



زینب جلالیان، متولد ۱۹۸۳، در سال ۲۰۰۷ از سوی مأموران اداره اطلاعات کرمانشاه دستگیر و به اتهام ارتباط با احزاب کردی در دادگاه انقلاب به اعدام و سپس حبس ابد محکوم شد. وی طی سالهای اخیر به شدت تحت فشار قرار داشته و بارها در اعتراض به وضعیت خود دست به اعتصاب غذا زده است.

سازمان عفو بین الملل، در ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۴ بیانیه ای صادر کرد و نسبت به وضعیت این زندانی ابراز نگرانی نمود. عفو بین الملل نوشت: «زینب در سی سالگی آزادی را از دست داد اما نباید اجازه دهیم چشمانش را از دست بدهد».

۲۴ مرداد ۹۴ - گزارش ها نشان می دهند که زینب جلالیان در زندان یک چشمش را از دست داده و چشم دومش هم کم سو شده است. دنیز جلالیان -خواهر زینب در مورد وضعیت او گفت: «الان در زندان کرمانشاه است. خیلی وقت است می خواهد بیرندش دکتر اما ماموران زندان، اجازه نمی دهند. یک چشم خود را از دست داده. دکتر گفته بوده دو چشمش بهم وابسته است و اگر عمل نکنید آن چشم دیگرش هم کور می شود. دنیز، همچنین از شکنجه هایی گفت که سبب نابینا شدن خواهرش شده و تاکید کرد: «وقتی او را گرفتند، سرش را به دیوار زده بودند. چشمش برای همین ضربه خورده و به این وضعیت درآمده است».

۱۶ مهر ۹۴ - با فصل سرما چشمان زینب نیز سرد می شود - زینب جلالیان در زندان خوی، در آستانه فصل سرما، بیش از پیش از ناراحتی چشم در رنج است اما تاکنون اجازه ی معالجه ی وی داده نشده است. یک منبع نزدیک به خانواده ی جلالیان گفت: بر اساس اعلام بهداری زندان، در صورت عدم انتقال وی به بیمارستان به علت فرارسیدن فصل سرما، احتمال عفونت مردمک چشم این زندانی سیاسی وجود داشته و وی بیش از پیش در معرض خطر نابینایی قرار می گیرد. زینب تاکنون از حق ملاقات با خانواده خود نیز محروم بوده است. از سوی مامورین امنیتی بارها به این زندانی اعلام شده، در صورتی که با اداره اطلاعات همکاری کند، هم در حکم وی تجدیدنظر خواهد شد و هم میتواند از حق مرخصی بهره مند شود اما وی هرگونه همکاری با ستاد خبری اطلاعات را رد کرده است.

۱۶ آبان ۹۴ - زینب، به بیماری برفک دهان مبتلا شده و علیرغم درخواست های مکرر برای معالجه پزشکی در خارج از زندان، مسئولان قضایی و امنیتی با انتقال وی جهت معالجه پزشکی مخالفت می کنند.

۱۶ آبان ۹۴ - زینب جلالیان، نامه ای به احمد شهید گزارشگر ویژه ملل متحد در امور ایران نوشت و گفت: «در ایران، زندانهای بزرگ و مخوفی برای زندانیان سیاسی وجود دارند که شکنجه گاه اعتراف گرفتن از افراد بی گناهی هستند که تنها و تنها به علت اعتقادات شخصی خود در زندان هستند».

زندانهایی که در پس آن، اطلاعات سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات قرار دارند. بسیاری از زندانیان سیاسی، حتی از حق معالجه و مرخصی نیز محروم اند. من تاکنون بارها در اعتراض به وضعیت خود دست به اعتصاب غذا زده ام، اما نه در پرونده ام تغییری داده شده و نه به بیمارستان اعزام شده ام».

آتنا فرقدانی



آتنا فرقدانی - هنرمند کاریکاتورست^۱، اول شهریور ۱۳۹۳ از سوی سپاه پاسداران بازداشت شد و نزدیک به دو ماه در بند دو الف سپاه در زندان اوین حبس بود. او ۲۰ روز از مدت حبس خود را در سلول انفرادی گذرانده است. فرقدانی همچنین در اعتراض به عدم دسترسی به وکیل، نداشتن تماس با خانواده و ادامه غیرقانونی حبس انفرادی، ۲۰ روز اعتصاب غذا کرد که در هجدهمین روز اعتصاب غذایش، دچار ایست قلبی شد و در بیمارستان فیروزگر شهر ری بستری گردید. او چند روز پس از آن نیز به زندان اوین منتقل شد. وی از سوی دادگاه انقلاب اسلامی به ۱۲ سال و ۹ ماه حبس محکوم شده است. اتهام این فعال مدنی، «تبلیغ علیه نظام، اقدام علیه امنیت کشور، توهین به نمایندگان مجلس از طریق مهارت نقاشی و توهین به خامنه ای و سپاه پاسداران» عنوان شده است.

۱۰ خرداد ۹۴ - آتنا فرقدانی در پی بیماری و وخامت حال جسمی به بهداری زندان اوین منتقل شد. انتقال به بهداری به دلیل خونریزی معده این زندانی طی هفته گذشته بوده است.

۱۱ خرداد ۹۴ - فاکس نیوز: یک هنرمند ایرانی به بیش از ۱۲ سال زندان محکوم شده است. می شود خانواده وی قصد دارد درخواست استیناف کند.

۱۳ خرداد ۹۴ - عفو بین الملل: صدور حکم بیش از ۱۲ سال حبس برای هنرمند و فعال ایرانی، یک بی عدالتی بزرگ و نقض حقوق وی در زمینه آزادی بیان و برگزاری تجمعات می باشد. حسیه حاج سحرآوی، معاون مدیر امور خاورمیانه و آفریقای شمالی در عفو بین الملل در این باره می گوید: «آتنا فرقدانی عملاً بدلیل نقاشیهایش با حکمی مواجه شده است که خود یک کاریکاتور فاحش از نقض عدالت است».

۱۷ مرداد ۹۴ - محمد مقیمی - وکیل آتنا فرقدانی گفت، پرونده موکل اش به شعبه ۵۴ دادگاه تجدید نظر ارجاع شده است.

۲۴ شهریور ۹۴ - آتنا در اعتراض به «اتهامات ناروا» از سوی ماموران امنیتی، سه روز اعتصاب غذا کرد.

مادر این زندانی گفت که دخترش روز شنبه ۲۳ خرداد، زمانی که برای ملاقات و کیلش محمد مقیمی در زندان فراخوانده شده بود، به دلیل دست دادن با وکیل، با اتهام «رابطه نامشروع مادون زنا» مواجه شد و وکیل وی نیز بازداشت و به زندان رجایی شهر کرج منتقل شد.

۱۷ مهر ۹۴ - عفو بین الملل در بیانیه ای اعلام کرد، یادداشتی از جانب آتنا فرقدانی به بیرون زندان درز کرده که می گوید، مقامات قضایی او را به یک مرکز پزشکی در خارج از زندان برده اند و وادار به انجام تست بکارت کرده اند. به گفته عفو بین الملل، این اقدام یک لکه دیگر بر سوابق شرم آور ایران در مورد خشونت علیه زنان افزوده است. سید بومدوها، معاون مدیر برنامه خاورمیانه و آفریقای شمالی در عفو بین الملل گفت، «شوکه کننده است که علاوه بر طرح اتهام مسخره علیه آتنا فرقدانی بابت «جرم» دست دادن با وکیل

▪ آتنا فرقدانی در سپتامبر ۲۰۱۵ برنده جایزه شجاعت در مطبوعات گردید.

خود، مقامات ایرانی او را وادار به انجام آزمایش بکارت کرده‌اند». به نوشته عفو بی الملل، آزمایشات بکارت اجباری، در سطح بین الملل به عنوان نوعی شکنجه و تبعیض علیه زنان و دختران شناخته می شود.



مریم اکبری منفرد

زندانی سیاسی مریم اکبری منفرد - ۴۰ ساله، مادر سه فرزند و از معترضین به نتیجه انتخابات سال ۱۳۸۸ است. وی در عاشورای همان سال دستگیر و به ۱۵ سال حبس محکوم شد.^۶ از جمله اتهامات این زندانی، محاربه از طریق ارتباط با سازمان مجاهدین خلق عنوان شده است.

۳۱ تیر ۹۴ - مریم اکبری منفرد، در پنجمین سال حبس خود نوشت: «بدون داشتن وکیل قانونی محاکمه شده و حتی فرصت نیافتم از خود دفاعی کنم». وی در خصوص تاثیر زندان بر فرزندانش نیز تاکید کرد: یک مادر هستم و فرزندانم بیش از پنج سال است که مادرشان را از پشت پنجره های سالن ملاقات زندان می بینند. تنها چیزی که من درخواست کرده بودم، عدالت بوده است! افراد جامعه و مادران این سرزمین، بدون کوچکترین حق دفاع، هم متهم هستند و هم بزهکار».

۲۰ مرداد ۹۴ - علیرغم وخامت وضعیت جسمانی و نیاز به مداوا و رسیدگی های پزشکی، مریم اکبری از هرگونه مرخصی درمانی و رسیدگی ضروری محروم شد.

۲۲ مهر ۹۴ - در حالی که اعمال ماده ۱۳۴ شامل حال مریم اکبری می شود، از اعمال این ماده قانونی در ارتباط با او جلوگیری شد. دیوان عالی کشور پیش از رسیدگی و تسلیم لایحه دفاعیه و معرفی وکیل، حکم مریم اکبری منفرد را دوباره تائید کرد.



صدیقه مرادی

صدیقه مرادی - ۵۵ ساله، دارای یک فرزند، در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰ بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد.^۷ وی به مدت ۷ ماه در آنجا تحت شکنجه های جسمی و روحی بازجویان اطلاعات قرار داشت. این زندانی به اتهام محاربه به ۱۰ سال حبس و تبعید به زندان گوهردشت محکوم شده است. صدیقه مرادی در دهه ۶۰ نیز سالهایی را در زندان گذرانده است.

۱۱ مرداد ۹۴ - صدیقه مرادی به بیمارستان اعزام شد. علت اعزام وی، انجام آزمایش ام.آر.آی عنوان شده بود.

۲۰ مرداد ۹۴ - خانم مرادی پس از گذشت بیش از ۴ سال از بازداشت و حبس، همچنان بدون مرخصی به سر می برد. وی از بیماری های ناشی از دوران زندان در رنج است. همسر این زندانی در ارتباط با وضعیت او گفت: از سال ۹۰ که بازداشت شده تماس تلفنی و یا مرخصی از زندان نداشته است.

- ^۶ مریم اکبری منفرد، زندانی سیاسی است که دو برادر و یک خواهرش در دهه ۶۰ در ایران اعدام شده اند.
- ^۷ صدیقه مرادی از زندانیان سیاسی دهه ۶۰ بوده است. وی ۴ سال را در آن سالها در حبس به سر برده است.

۲۷ مرداد ۹۴ - صدیقه مرادی در نامه ای از زندان نوشت: « سال ۶۰ دوران جوانی ام را در زندان سپری کردم. ۴ سال در زندان بودم. آن دوره را با شماری از مادران گذراندم. مادرانی که با فرزندانشان دستگیر شدند یا باردار بودند و در زندان، فرزند خود را به دنیا آوردند. چهارسال پیش وقتی به خانه ما ریختند و مرا دستگیر کردند، دخترم یاسمن هنوز ۱۲ سالش تمام نشده بود. من در مقابل چشمان گریان او بازداشت شدم».

۹ شهریور ۹۴ - وضعیت جسمی زندانی سیاسی صدیقه مرادی حاد می باشد؛ اما بازجویان وزارت اطلاعات مانع انتقال وی به بیمارستان خارج از زندان و درمان جدی وی هستند. گفته می شود که فشار خون وی، ۶ روی ۴ بوده و شرایطش حاد و خطرناک ارزیابی شده است. همبندیان این زندانی، سراسیمه وی را به بهداری زندان منتقل نموده اند اما بهداری زندان پس از مدتی کوتاه بدون درمان جدی، او را به بند بازگردانده است.

۱۸ شهریور ۹۴ - صدیقه مرادی با پارگی مینیسک و تاندن پا در بند نسوان زندان اوین مواجه شده و با توجه به مشکلات و بیماری های او لازم است که به بیمارستان اعزام شود. همسر این زندانی سیاسی گفته است، برای به بیمارستان فرستادن او، حتما باید نامه ای گرفته شود و به زندان داده شود تا اجازه این کار را بدهند. اما از طرف مقامات ذریبط، چنین نامه ای داده نمی شود.

سایر کیس ها

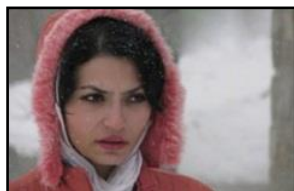
زهرا زهتابچی:



زهرا زهتابچی، متولد ۱۳۴۸، کارشناس ارشد جامعه شناسی و پژوهشگر علوم اجتماعی می باشد. او روز ۲۴ مهر ماه ۹۲ در خیابان دستگیر و به اطلاعات کلانتری میدان هروی منتقل شد. بیش از ۴ ماه از داشتن هرگونه تماس تلفنی و یا ملاقات با خانواده اش محروم بود و در این مدت تحت شکنجه های جسمی و روحی بازجویان قرار داشت. همسر وی پس از سه هفته آزاد شد اما زهرا با وجود پایان تحقیقات مقدماتی کارشناسان وزارت اطلاعات، همچنان حبس نگه داشته شد.

بازجوها خانواده ی زهتابچی را تهدید کرده بودند که اطلاع رسانی در مورد وضع او، عواقب وخیمی برای وی به همراه خواهد داشت. نگهداری طولانی زهتابچی در سلول انفرادی موجب آسیب های جسمی جدی بر وی گردید. این پژوهشگر، پیشتر نیز یک بار در سال ۱۳۸۸ دستگیر و پس از چند روز آزاد شده بود. این زندانی سیاسی، مادر دو دختر خردسال می باشد.

مریم سادات یحیوی:



مریم سادات یحیوی از فعالان مدنی می باشد که به هفت سال و نیم حبس محکوم شده است. وی در آبان ۱۳۹۳ به مدت ۱۷ روز توسط ماموران امنیتی سپاه بازداشت شد. این فعال مدنی در حال حاضر به اتهام اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت ملی محکوم شده است. دادگاه، همچنین در حکم خود برای مدت دو سال، وی را از عضویت در احزاب و حضور در اجتماعات و فعالیت در رسانه ها و فضای مجازی منع کرده است.

ندا مستقیمی:



ندا مستقیمی، از حامیان مادران پارک لاله و زندانی سیاسی می باشد. وی پیش از ظهر دوشنبه ۱۴ اردیبهشت، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و برای تحمل حبس سه ساله راهی زندان اوین گردید. این زندانی با تشدید آسم و مشکلات تنفسی، شرایط دشواری را در بند زنان زندان اوین تجربه می کند.

مینو مرتاضی لنگرودی:



مینو مرتاضی لنگرودی از فروم مادران صلح و عضو شورای فعالان ملی مذهبی می باشد. وی به شش سال حبس و دو سال محرومیت از فعالیت های سیاسی و مدنی محکوم شده است. پنج سال از حبس مرتاضی، به اتهام «اجتماع و تبانی به خاطر راه اندازی شورای فعالان ملی مذهبی» و یک سال دیگر برای «تبلیغ علیه نظام به دلیل سیاه نمایی» اعلام شده است.

ریحانه حاج ابراهیم دباغ:



ریحانه حاج ابراهیم دباغ، متولد ۱۳۶۰، در عاشورای سال ۸۸ دستگیر و در دادگاه بدوی به اعدام محکوم شد. حکم وی در مرحله تجدیدنظر به ۱۵ سال زندان کاهش یافت. این زندانی سیاسی در بند زنان اوین محبوس است و از بیماری هایی چون کولیت روده رنج می برد. وی تاکنون از مرخصی درمانی محروم بوده است.

سارا ساعی:



سارا ساعی از فعالان گروه «عرفان حلقه» می باشد. وی در ۳۰ آبان ۹۴ در جریان تجمع فعالان مدنی در مقابل زندان اوین بازداشت و به زندان شهرری (قرچک ورامین) منتقل شده است. اتهام این فعال مدنی «اخلال در نظم عمومی» اعلام شده است. سارا ساعی از شاگردان محمد علی طاهری بوده است.



نقض حقوق و آزادی های اولیه

در ایران

نقض حقوق پایه

دیکتاتوری حاکم بر ایران، دیدگاه خود را بر نقض حقوق پایه ای زنان استوار کرده است. درست بر خلاف نظر نگاه مقاومت ایران که می گوید: «ما به برابری کامل زنان و مردان در کلیه حقوق سیاسی، اجتماعی و مشارکت برابر زنان در رهبری، معتقدیم؛ و آنان از حق ازدواج، طلاق، تحصیل، اشتغال و انتخاب آزادانه پوشش برخوردار هستند»، هیچ یک از قوانین و مصوبات رژیم ایران، بدون جنبه های پایه ای نقض حقوق زنان یافت نمی شود. این موضوع را می توان در قانون مدنی، قانون جزا، قانون کار، قوانین تحصیل و بیمه و بازنشستگی دید.

زنان در خیابان ها تحت عنوان پوشش اجباری، دستگیر و بازداشت می شوند، هدف ضرب و جرح ماموران قرار می گیرند و توهین و تحقیر می شوند.

در خانواده، امکان هیچ گونه تصمیم گیری در مورد سرنوشت و حتی حضانت فرزندان شان را ندارند. قانون، چنین حقوقی را به مرد، واگذار کرده است.

بسیاری از آنان، بر اثر ازدواج اجباری دست به خودکشی می زنند و یا در خیابان ها، وادار به کارتن خوابی و دستفروشی می شوند. در سایر عرصه های فعالیت اجتماعی مانند مشارکت در کنسرت و موسیقی و یا حضور در استادیوم های ورزشی نیز طرد و تحقیر آنها، به طور روزمره در جریان است. در این بخش از کتاب، نمونه های این نقض حقوق، با موضع گیری ها و اظهارات مقامات حکومتی، قابل مشاهده است:

سرکوب زنان با حربه حجاب اجباری

سال ۲۰۱۵، با اجرایی شدن طرح صیانت از حجاب و عفاف در ایران همراه بود. طرحی که به دستور خامنه ای، با هدف بالابردن سرکوب و محدودیت بر زنان اعمال می شد. این طرح دارای ۹ ماده بود که برخورد با زنان در خیابان ها و نیز جریمه آنها به بهانه بدحجابی را برای ماموران امنیتی، مجاز می شمرد. در این باره، ماموران زن به خیابان ها، پیست های اسکی، کنار دریا و مدارس و ادارات اعزام شدند تا کنترلی روزانه را در جهت سرکوب و دستگیری زنان انجام دهند.

در فاصله ای کوتاه بعد از اجرایی شدن این طرح، آماری قابل توجه از مطبوعات حکومتی منتشر شد. در یک نمونه رییس پلیس تهران به توقیف ۲۱ هزار خودرو اشاره کرد؛ در نمونه ای دیگر، معاون نیروی انتظامی از ۴۰ برابر شدن گشت های سرکوب تحت عنوان «ارشاد» خبر داد و رییس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران از برخورد با ۴۰ هزار خودرو که متهم به بدحجابی بودند! موضوعی که خبرگزاری فرانسه نیز آن را منعکس نمود.

اصلی ترین نمونه ها:

طرح سرکوب، قانون می شود - عضو کمیسیون فرهنگی مجلس گفت: طرح صیانت از حریم عفاف و حجاب تصویب شد. این طرح دارای ۹ ماده است. برخورد با کشف حجاب در خودروها و اماکن عمومی از موارد این طرح است. (خبرگزاری حکومتی تسنیم - ۹۴/۴/۳۰)

طرح برخورد علنی با زنان - دادستان اردبیل گفت، از این پس در خیابان ها به طور علنی، با زنان برخورد خواهد شد.
(دادگستری اردبیل - ۹۴/۵/۹)

برخورد سخت با زنان - علم الهدی - امام جمعه مشهد: نباید با زنان آرایش کرده با منق یا عطوفت برخورد کرد! (سایت های حکومتی دیگران و عصر ایران - ۹۴/۴/۹)

جریمه صدهزار تومانی - پژمان فرسخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس گفت: مأموران راهنمایی و رانندگی می توانند با آن دسته از رانندگانی که اقدام به کشف حجاب می کنند، برخورد کرده و جریمه ۱۰۰ هزار تومانی برای آنها لحاظ کنند. (۹۴/۵/۱۹)

شلاق در انتظار بدحجابان! - دادستان سمنان گفت: در مورد کسانی که در انتظار عمومی وضع پوشش لباس و آرایش آن ها خلاف شرع باشد، مجازات جریمه نقدی یا شلاق نیز پیش بینی شده است. (سایت حکومتی عصر ایران - ۹۴/۶/۱۸)

بیش از ۲۱ هزار خودرو، توقیف! - ساجدی نیا رییس پلیس تهران بزرگ با اشاره به توقیف بیش از ۲۱ هزار خودروی متخلف در طرح های شبانه پلیس، بدحجابی و ایجاد آلودگی صوتی را از مصادیق اصلی جرایم رانندگان خواند. (سایت حکومتی عصر ایران - ۹۴/۶/۱۷)

سازماندهی ۴۶ هزار مامور سرکوب - معاون ستاد مرکزی امر به معروف و نهی از منکر، از آموزش و سازماندهی ۴۶۰۰ گروه ۱۰ نفره برای "تذکر زبانی" خبر داد. این ستاد زیر نظر خامنه ای فعالیت می کند و ریاست آن را احمد جنتی عهده دار است. (۹۴/۶/۲۰)

خبرگزاری فرانسه: جریمه بدحجابی - یک مقام قضایی در روز چهارشنبه گفت دادگاهی در تهران دو زن را بابت نقض ضوابط پوشش اسلامی و عدم استفاده درست از حجاب اجباری در خیابانها ۲۶۰ دلار جریمه کرد^۸. (خبرگزاری فرانسه ۹۴/۶/۲۷)

گشت پلیس در مدارس دخترانه - فرمانده انتظامی تبریز اعلام کرد، پلیس تبریز نیروی خود را در قالب اکیپ های خودرویی، موتوری و پیاده در محدوده مدارس دخترانه مستقر می کند. (۹۴/۷/۵)

۸ خط فقر در ایران، ۶۶۱ دلار است.

به تاکید خامنه ای، طرح حجاب اجرائی می شود- علی ملازاده از مدیران وزارت کشور تصریح کرد: ستاد صیانت از حریم امنیت عمومی، در دو حوزه فرهنگ عفاف و حجاب و تبیین حقوق شهروندی فعالیت می کند. این دو مقوله از دغدغه های رهبری است که باید به آن ها پرداخته شود. (خبرگزاری حکومتی مهر - ۹۴/۷/۲۹)

الزام استفاده از لباس متحدالشکل - کمیسیون مشترک بررسی طرح عفاف و حجاب، طرح جدیدی را به تصویب رساند که بر اساس آن، دستگاهها، باید لباس زنان را براساس طرح های تصویب شده توسط این کمیسیون، تهیه و ارائه کنند. (سایت حکومتی عصر ایران - ۹۴/۸/۱۱)

گشت ارشاد ۴۰ برابر می شود- معاون نیروی انتظامی گفت که گشت های ارشاد ۴۰ برابر شده است. وی همچنین گفت که در بحث «عفاف و حجاب» ۲۶ دستگاه مسئولیت دارند. (خبرگزاری حکومتی فارس - ۹۴/۸/۱۷)

توقیف ۲۰۰۰ خودرو - سخنگوی نیروی انتظامی گفت: در طول هفته گذشته به ۱۰ هزار راننده که اقدام به کشف حجاب کرده بودند، تذکر داده شد. از این تعداد خودرو، ۲۰۰۰ هزار خودرو به صورت کامل متوقف و به پارکینگ متوقف شده اند. (سایت حکومتی مهر نیوز - ۹۴/۸/۲۴)

خبرگزاری فرانسه: دستگیری زنان - ایران بیش از هزار هشدار صادر کرده و دهها تن را در جریان اعمال قانونی که - هدفش زنانی هستند که لباس شان با قوانین حکومت همخوان نیست- دستگیر نموده است. (خبرگزاری فرانسه - ۹۴/۶/۱۱)

گشت های امنیت در تهران - سایت حکومتی تابناک نوشت: ون های گشت امنیت اخلاقی پلیس به خیابان های تهران می آیند و با بدحجابان برخوردی قاطع می کنند. (سایت حکومتی تابناک - ۹۴/۹/۳)



مجازات بدحجابی = حبس! - حسین رضا دلفان، رئیس کل دادگاه‌های عمومی خرم‌آباد گفت: «کسانی که بدون «حجاب شرعی» در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، از ۱۰ روز تا دو ماه حبس و یا به جزای نقدی محکوم می‌شوند. (سایت حکومتی خبرآنلاین - ۹۴/۹/۱۲)

توقیف ۴۰ هزار خودرو - رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ به آمار ۸ ماهه در برخورد با بدحجابی پرداخت و گفت: در این مدت، بالغ بر ۴۰ هزار مورد برخورد با بدحجابی داشتیم که برخوردها، به شکل توقیف وسیله نقلیه و معرفی به دستگاه قضایی بوده است. (خبرگزاری حکومتی فارس - ۹۴/۹/۲۴)

پلیس‌های زن در دریابانی - معاون دریابانی ناجا، فعالیت پلیس‌های زن در دریابانی ایران را تشریح کرد. محمد علی سلامی گفت: در مواردی که نیاز به بازرسی بدنی، کنترل و فعالیت‌های اداری باشد از ظرفیت زنان استفاده شده است. (خبرگزاری حکومتی تسنیم - ۹۴/۹/۲۸)

پلیس در پیست‌های اسکی - ساجدی نیا - رییس پلیس تهران گفت: با توجه به این که فضای ماموریت‌های پلیس اسکی سوار، اطراف پایتخت است، نیاز به بهره‌گیری از پلیس زن در قالب پلیس کوهستان و پلیس اسکی احساس می‌شود. تعدادی از ماموران پلیس زن قالب پلیس در پیست اسکی مستقرند تا با مصادیق کشف حجاب و بدپوششی برخورد کنند. (سایت حکومتی عصر ایران - ۹۴/۹/۲۲)



گشت آرایشگاه - مشاور امور بانوان سازمان تعزیرات حکومتی گفت: گشت‌های سیار مشترک از آرایشگاه‌های زنانه تهران آغاز می‌شود که به برخورد قاطع با متخلفان این صنف خواهند پرداخت. (خبرگزاری حکومتی ایسنا - ۹۴/۷/۱۴)

سرکوب در عرصه هنر و موسیقی

از انقلاب سال ۵۷ که دیکتاتوری مذهبی در ایران بر سر کار آمد، خوانندگان، هنرمندان و بسیاری چهره های سرشناس زنان در عرصه هنر و موسیقی ایران، وادار به ترک صحنه شدند. آنها با ممنوعیت ها، محرومیت ها و کارشکنی هایی روبرو می شدند که با هدف خاموش کردن صدا و بستن امکان فعالیت شان صورت می گرفت. این ممنوعیت ها، سال به سال، اشکال گسترده تری به خود گرفته و از شکل ظاهری زنان تا شرکت آنها در ساده ترین ارکسترها را دربر گرفته است.

فاکت های یکساله اخیر:



تئاتر به خاطر پوشش بازیگر زن، توقیف می شود! - وزارت فرهنگ و ارشاد، تئاتر «پینوکیا» را توقیف کرد. دلیل این اقدام، پوشش بازیگران زن، عنوان شده بود! (سایت حکومتی خبر آنلاین - ۹۴/۵/۱۹)

۹ بازیگر زن از فعالیت محروم شدند - ۹ تن از بازیگران مطرح سینمای ایران به خاطر آنچه "بدحجابی و هنجارشکنی" خوانده شد، از فعالیت های هنری محروم شدند. دستور ممنوع فعالیت این هنرمندان از سوی شورای نظارت بر سازمان صداوسیما صادر گردیده است. (۹۴/۶/۲۸)

به گروه مختلط، مجوز داده نمی شود - به برنامه «کامکار» ها در اصفهان مجوز نداده نشد. این گروه در برگیرنده هنرمندان زن و مرد است که ترانه های مشترک اجرا می کنند. (سایت حکومتی جام جم آنلاین - ۹۴/۴/۳۱)

عدم مجوز به تک خوانی زنان - علی جنتی - وزیر ارشاد روحانی گفت: «هیچ مجوزی به تک خوانی زنان داده نخواهد شد». (سایت حکومتی دیگربان - ۹۴/۸/۲۲)

لغو اجرای سرود ملی - اجرای ارکستر سمفونیک تهران در مجموعه ورزشی آزادی لغو و اعلام شد که دلیلش این است که تقریباً نیمی از نوازندگان این ارکستر را زنان تشکیل می دهند. (سایت حکومتی عصر ایران - ۹۴/۹/۸)

سرکوب در زمینه ورزش و حضور در ورزشگاهها

یکی از اصلی ترین سوژه های طرد و حذف زنان از مشارکت برابر در جامعه و فعالیت های اجتماعی، ممانعت از حضور آنها در



استادیوم های ورزشی بوده است. در این باره، طی سال ۲۰۱۵ از مراجع تقلید تا ماموران سرکوب انتظامی و وزیر کشور رژیم در کابینه روحانی وارد صحنه شدند تا بر ممنوعیت زنان، مهر تاکید بزنند.

زنان اجازه ورود به ورزشگاه ندارند! - منتظرالمهدی - سخنگوی ناجا به عدم مجوز

حضور زنان در ورزشگاه‌ها پرداخت و گفت: از حضور بانوان در سالن‌های ورزشی خودداری می‌شود. (سایت حکومتی تابناک - ۹۴/۳/۱۸)



ممانعت از حضور زنان وظیفه ذاتی ماست - فرمانده نیروی انتظامی در سفر به قم گفت: اگر ممانعتی از حضور زنان در کنسرت‌ها و ورزشگاه‌ها انجام می‌دهیم بر اساس وظیفه ذاتی و شرعی ماست. وی به مسئله ورود بانوان به ورزشگاه‌ها اشاره کرد و یادآور شد: در این خصوص طبق قانون اقدام می‌کنیم هر چند که ممکن است برخی‌ها خرده بگیرند ولی نیروی انتظامی مجری اجرای قانون است. (روزنامه حکومتی انتخاب - ۹۴/۳/۲۳)

وزیر کشور: ورود زنان همچنان ممنوع - رحمانی فضلی وزیر کشور گفت: دستور جدیدی برای ورود بانوان به استادیوم‌های ورزشی نداریم و مطابق قوانین گذشته عمل خواهیم کرد. رسانه‌ها این مساله را منعکس کنند. (خبرگزاری حکومتی ایسنا - ۹۴/۳/۲۷)



جلوگیری از ورود به ورزشگاه آزادی - نیروهای اطلاعاتی مانع حضور زنان و دختران در ورزشگاه محل مسابقه تیم‌های ملی والیبال ایران و آمریکا شدند. حتی از ورود خبرنگاران زن نیز جلوگیری به عمل آمد. (۹۴/۳/۲۹)

سی.ان.ان: ممنوعیت ورود زنان به استادیوم: در حالی که کریستین لگار و سایرین سعی می‌کنند میدانهای بازی برابر برای زنان بوجود آورند، زنان ایران حتی نمی‌توانند به آن نزدیک شوند. از سال ۲۰۱۲ زنان ایران، حتی از ورود به استادیوم‌هایی که مردان در آن والیبال بازی می‌کنند، منع شده‌اند. (تلویزیون سی.ان.ان - ۹۴/۸/۸)

فجایع اجتماعی (فقر، اعتیاد، کارتن خوابی و دختران فراری)

در ایرانی که آخوندها بر آن حکومت می‌کنند، پایه‌ای‌ترین حقوق و آزادی‌های زنان، با اهرم قوانین زن ستیزانه، به موضوعی علیه آنها و در جهت سلب آزادی‌های آنها تبدیل شده است. بعنوان نمونه:

- در مقوله ارث، سهم ارث زن، نصف مرد قرار داده شده است. وقتی قیمت جان و هستی زن و اعضاء و جوارح و حتی گواهی او نصف است، سهم بردن از ارث هم از همین قاعده پیروی میکند. (قانون مدنی)
- در ازدواج، زن نیاز به اجازه پدر یا جد پدری دارد (ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی)
- ریاست خانواده، از خصائص شوهر است. (ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی)
- زن باید در منزلی که شوهر تعیین میکند، زندگی کند. (ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی)
- انتخاب شغل و اشتغال زنان و همچنین مجوز سفر، موکول به اجازه نامه کتبی شوهر است. (ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی)
- مرد هر وقت که بخواهد، می‌تواند زن خود را طلاق بدهد. (ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی)

- زن بدون رضایت شوهر نمیتواند سمت قیم و قیمومت قبول کند. (ماده ۱۲۳۴ قانون مدنی)
نتیجه این قوانین، خود را در پدیده دختران فراری، افزایش کارتن خوابی، اعتیاد و فقر در جامعه نشان داده است. آنچه که امروزه رسانه های حکومتی و مقامات رژیم نیز به آن اعتراف می کنند:



رشد کارتن خواب ها - فاطمه دانشور رئیس کمیته اجتماعی شورای شهر تهران گفت: در سال ۹۱ که تهران ۱۲ هزار کارتن خواب داشت، تعداد زنان کارتن خواب ۳ هزار نفر بود. تعداد کارتن خواب ها در سال ۹۲ به ۱۵ هزار و در سال ۹۳ به ۲۰ هزار نفر افزایش یافت. به همین نسبت تعداد زنان کارتن خواب نیز در شهر تهران رشد داشته است. (سایت حکومتی تابناک - ۹۴/۳/۱۶)



کارتن خوابی، همه گیر می شود - زنان کارتن خواب، که در خیابان های خلوت و بدون امنیت بر روی کارتن های پهن شده، شب را به صبح می رسانند و دختران ۱۷ یا ۱۸ ساله ای که یا به دلیل فرار از خانه و یا اعتیاد به خیابان های خلوت شبانه روی آورده اند، سالهای بسیاری از عمر خود را به این شکل به صبح می رسانند. استعمال مواد مخدر در بین زنان کارتن خواب باعث آسیب پذیری بیشتر این زنان شده است. (خبرگزاری حکومتی تسنیم - ۹۴/۴/۳)



فاجعه ای در انتظار زنان کارتن خواب - رسول خادم عضو شورای شهر تهران گفت، تعدادی از کارتن خواب ها دچار بیماریهایی همچون هپاتیت، ایدز، گال و شپش هستند اما بیمارستانهای وزارت بهداشت به دلیل عدم اعتبار و پول آنها را پذیرش نمی کنند. در تهران، گرمخانه ها جایی برای زنان بیخانمان ندارند. (سایت حکومتی تابناک - ۹۴/۴/۵)

۳۳ درصد کارتن خوابها = زنان باردار! - رضا جهانگیری فر- معاون خدمات اجتماعی شهرداری تهران گفت، ۳ درصد از ۱۵ درصد کارتن خواب های شناسایی شده، زنان باردار هستند. (خبرگزاری حکومتی آنا - ۹۴/۴/۲۲)

ماموران به زنان کارتن خواب، یورش می برند - ماموران انتظامی در تهران به زنان بی پناه و کارتن خواب یورش بردند. ساجدی نیا- فرماندهی انتظامی تهران بزرگ، شخصاً بر این یورش نظارت داشت. (خبرگزاری حکومتی ایرنا - ۹۴/۹/۱۰)

کودکان در شکم مادران کارتن خواب، پیش خرید می شوند! - یک استاد دانشگاه می گوید، کودکان قبل از به دنیا آمدن، در شکم مادران کارتن خواب، پیش خرید می شوند. دکتر چیت چیان می گوید وضع کارتن خوابها آنقدر بحرانی است که کودک را در شکم مادر و پیش از به دنیا آمدن به مبلغ یک میلیون و ۷۵۰ هزار تومان پیش خرید می کنند. (خبرگزاری حکومتی مهر - ۹۴/۵/۳۱)





کودکان خیابانی، تجربه رابطه جنسی - ابراهیم غفاری، معاون اجتماعی سازمان بهزیستی گفت: بر اساس مطالعات در شهر تهران، ۲۱ درصد از کودکان خیابانی، تجربه رابطه جنسی داشته‌اند. روشن است که در این میان دختران بی پناهی بیشترین آسیب پذیری را دارند. (۹۴/۷/۱۶)

آمار کارتن خواب ها - مولاوردی، معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده در مردادماه سال ۱۳۹۴ گفت، از میان ۱۵ هزار کارتن خواب کشور، ۵ هزار نفرشان زنان هستند. (خبرگزاری حکومتی ایلنا - ۹۴/۴/۲۰)

افراد دانشگاهی، کارتن خواب می شوند - قالیباف شهردار تهران در بحث برسر دختران جوان و افراد دانشگاهی در میان کارتن خوابهای تهران گفت، شهر تهران ۱۵ هزار نفر کارتن خواب دارد. در میان این افراد، کسانی هستند که ۴ - ۵ کتاب ترجمه کرده‌اند و برخی فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های دولتی ایران هستند! (خبرگزاری حکومتی ایرنا - ۹۳/۷/۲۸)

فروش نوزاد از سوی مادران بی بضاعت - فاطمه دانشور رئیس کمیته اجتماعی شورای شهر تهران گفت: خانم‌های کارتن خواب و زنان خیابانی در برخی بیمارستان‌های جنوب و مرکز شهر مراجعه و پس از به دنیا آمدن نوزادشان، با دریافت ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان، بچه خود را می‌فروشند. وی افزود: موضوع دیگری که شهر در حال گسترش است ورود دختران فراری به تهران است. برخی از افراد نوزادان متولد شده از سوی این دختران را با قیمت‌های بالاتری می‌خرند. (سایت حکومتی عصر ایران - ۹۴/۸/۱۷)

آمار فرار دختران - احمد دلبری مدیرکل بهزیستی استان تهران گفت: سالانه ۱۰ الی ۱۵ درصد از دختران بین ۱۴ تا ۱۸ سال از منازلشان فرار می‌کنند. اختلال روانی در بین زنان، ۳۸ درصد اعلام شده است. دلبری به آمار ازدواج و طلاق در سال ۹۳ اشاره کرد و گفت: در هر ساعت ۱۹ طلاق ثبت شده است. آمار نشان می‌دهد که بیشترین طلاق‌ها در سن ۲۵ تا ۲۹ سالگی بوده است. (سایت حکومتی عصر ایران - ۹۴/۵/۲۵)



زن باردار خودسوزی می کند - زن بارداری در مقابل چشمان همسر و فرزندش اقدام به خودسوزی کرد. این زن، ۲۹ ساله بود و حوا نام داشت. (۹۴/۷/۶)



دختر بوکانی خودکشی می کند - دختر ۲۱ ساله بوکانی در اعتراض به ازدواج اجباری، دست به خودکشی زد. این دختر که هویتش کوثر رحمانی می‌باشد، از سوی پدرش تحت فشار بوده که با مردی ازدواج کند که ۲۰ سال بزرگ‌تر از سن خودش بوده است. (۹۴/۸/۱۸)

سرکوب اقلیت های قومی و مذهبی

در ایران

اقلیت های مذهبی

در سالی که گذشت، یکی از اهداف سرکوب در ایران، اقلیت های مذهبی و قومی بودند. آنها به بهانه پایبندی به عقایدشان مورد بازداشت، توهین، زندان و محرومیت از کار و تحصیل قرار می گرفتند. این فشارها در سال نوی میلادی با بازداشت مسیحیان شدت گرفت و در زمینه طرد و تحقیر شهروندان بهایی، گسترش قابل توجهی یافت. آنچه که در شصت و دومین قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد^۹ که نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران را شامل می شد نیز، به آن اشاره شد.

بهایان



علاوه بر زندانیان زن بهایی که صرفاً به دلیل بهایی بودن، در زندان به سر می برند، از حداقل حقوق شان محروم هستند و به طور مداوم هدف تحقیر و توهین مأموران امنیتی قرار می گیرند، امسال تعدادی بیشتری از زنان به بهانه عقایدشان دستگیر یا از تحصیل محروم شدند. اسامی و مشخصات برخی از آنها از این قرار است:

- فریبا کمال آبادی - دستگیری ۱۳۸۷ - محکومیت ۲۰ سال - زندان اوین
- مهوش ثابت - دستگیری ۱۳۸۴ - محکومیت ۲۰ سال - زندان اوین
- نوا و نیکا خلوصی - دو خواهر - دستگیری ۱۳۹۱ - محکومیت نوا ۴ سال، نیکا ۶ سال.
- نسیم باقری - دستگیری ۱۳۹۳ - محکومیت ۴ سال.
- سوسن تبیانیان - دستگیری ۱۳۹۳ - حکم یک سال.
- آذرطلوعی - دستگیری ۱۳۹۰.
- فاران حسامی - دستگیری ۱۳۹۰.
- الهام فراهانی (نعیمی) - دستگیری ۱۳۹۴ - زندان اوین.
- شبنم متحد - محکومیت ۲ سال.
- فریما فرزندی - محکومیت ۲ سال. (۹۴/۵/۱۰)

۹ شصت و دومین قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد - ۱۷ دسامبر ۲۰۱۵: «مجمع عمومی از خشونت و بدرفتاری ایران علیه پیروان مذاهب مختلف در ایران ابراز نگرانی می کند. مجمع عمومی ملل متحد خواستار توقف محدودیتهای شدید و گسترده علیه حق آزادی بیان می شود.»

سایر نمونه ها:

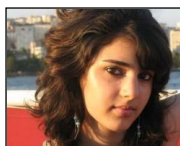
شماری از شهروندان بهایی، از جمله ۲۴ زن از شهرهای گرگان، مینودشت و گنبد کاووس، در مجموع به ۱۹۳ سال حبس تعزیری محکوم شدند. (۹۴/۱۱/۵)



با گذشت دو روز از درگذشت شهروند بهایی "باجی خانم محمدی فر" نیروهای امنیتی و انتظامی از خاکسپاری وی در گورستان بهاییان ممانعت کردند. (۹۴/۴/۲۳)



دِرسا قلیزاده - دانشجوی رشته معماری، پس از احضار به وزارت اطلاعات، در امتحانات پایان ترم اخراج شد. (۹۴/۵/۲۵)



آوا امینی یزدلی بعد از شرکت در کنکور، با وارد کردن مشخصات در سایت سازمان سنجش با پیغام نقص در پرونده رو برو شد. (۹۴/۶/۱۸)



مهیاره نداف - دانشجوی، پس از وارد کردن مشخصاتش در سایت سازمان سنجش، با پیغام نقص رو برو شد. (۹۴/۶/۲۱)



دلارام صادق زاده - دانشجوی ممتاز رتبه ششم کشور، از تحصیل محروم شد. وی در پاسخ به علت اینکار، جواب گرفته بود: تو بهایی هستی! (۹۴/۹/۱۹)



الهام پاکرو میاندوآب از دانشگاه آزاد - واحد ملارد اخراج شد. وی دانشجوی مقطع کارشناسی مهندسی کامپیوتر و نرم افزار بوده است. (۹۴/۱۰/۲۳)

مسیحیان

یک زن مسیحی در تهران به نام مهتاب محمدی، دستگیر شد. ماموران امنیتی پیش از این، خانواده محمدی را تحت فشار قرار داده بودند. مادر و خواهر مهتاب احضار شده بودند. خود او نیز پس از آنها، دستگیر شد. (۹۴/۸/۱)





اعتراضات زنان

در ایران

اعتراضات زنان

علیرغم تمامی طرح های سرکوب، فشار بیشتر بر زنان در زمینه حجاب اجباری و نیز محروم نمودن آنها از حداقل های فعالیت های مدنی و سیاسی، حضور زنان ایرانی در صحنه های اعتراض به دیکتاتوری در سال ۲۰۱۵، چشمگیر بوده است. مادران و بستگان زندانیان در پشت دیوارهای زندان، معلمین پیش دبستانی در مقابل مجلس رژیم، و کلا و فعالین مدنی و سیاسی در مقابل دادگستری و دختران دانشجو در دانشگاه ها، علیه سیاست های زن ستیزانه و غیرانسانی رژیم اعتراض خود را فعالانه بیان نموده اند.

نگاهی به روند اعتراض ها در سال ۲۰۱۵:

اعتراض فعالین مدنی و خانواده زندانیان

ما یک آننا هستیم - گروهی از وکلا، فعالین مدنی و نیز مدافعین حقوق بشر در تحصن مقابل دادگستری در تهران شرکت کردند و خواستار آزادی آتنا فرقدانی گردیدند. (۹۴/۳/۱۲)



مادران: دست از مقاومت بر نمی داریم - مادران پارک لاله در ششمین سالگرد فعالیت شان،



اعلام نمودند: شش سال پایداری و مقاومت مادران پارک لاله، با دستگیری های پیاپی همراه بوده، ولی این محدودیت ها باعث نشده که دست از مبارزه بشوییم. باشد تا با ادامه ی این مبارزات، حق و حقوق پایمال شده ی خود را از ستم گران باز ستانیم. (۹۴/۴/۱۷)

مادر زندانی: ساکت نمی شوم! - زلیخا موسوی، مادر حسین رونقی ملکی - وبلاگ نویس



بازداشتی، اعلام کرد: پسرم که بازداشت شد و به زندان برده شد، سالم بود، بیماراش کرده اند، کلیه هایش را از دست داده، حق و حقوق قانونی اش را زیرپا گذاشته اند بعد می گویند ساکت باشید! مصاحبه نکنید! حرف نزنید! من ساکت نمی شوم. (۹۴/۴/۱۶)

خانواده محکومین تجمع می کنند - روز ۳۰ تیرماه ۹۴، جمعی از زنان، از بستگان



خانواده های محکومین به اعدام در مقابل مجلس تجمع کردند. آنها یک خواسته داشتند: حکم اعدام زندانیان و بستگان ما را متوقف کنید! (۹۴/۴/۳۰)

مادران: به تحصن و اعتراض ادامه می دهیم - مادران زندانیان و جوانانی که در جریان قیام



سال ۸۸ در خیابان ها و یا در بازداشت، جان باختند، تجمع کردند. مادر سعید زینالی که ۱۶ سال است از فرزندش بی خبر است، بر برقراری دادگاهی عادلانه برای محاکمه عاملان کشتار فرزندش تاکید کرد. (۹۴/۵/۱۵)



زنان و بستگان کارگران، تجمع می کنند - تعدادی از همسران کارگران شهرداری در اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق و کاهش ساعات اضافه کار، روبروی ساختمان شورای شهر تجمع کردند. (۹۴/۴/۱۹)



اعتراض به جنایت اسیدپاشی - فعالان فرهنگی، مدنی، زنان و شماری از شهروندان بوکانی، تجمعی را در فلکه فرمانداری این شهر برگزار کردند. شعار اصلی تظاهرکنندگان، اعتراض به اسیدپاشی علیه زنان بود. گفته می شود که یکی از قربانیان اسیدپاشی، سوسنه اسماعیل نژاد دانشجوی رشته عمران بوده است. برادر وی، علی اسماعیل نژاد در گفتگویی تاکید کرده است: نهادهای امنیتی در پشت حوادث اسیدپاشی بر زنان، قرار دارند. (۹۴/۴/۲۵)



اعتراض به حضور روحانی - «ما زنان سندجی روحانی را نمی پذیریم». این شعار اصلی زنانی بود که روز ۴ مرداد در سندج به سفر روحانی تجمع اعتراضی برگزار کردند. (۹۴/۵/۵)

تجمع اعتراضی در تهران - زنان دستگیر می شوند



شماری از حامیان محمدعلی طاهری - زندانی سیاسی، در مقابل دفتر حقوق بشر در تهران تجمع اعتراضی کردند تا مخالفت خود را با حکم غیرانسانی اعدام در مورد او، بیان کنند. در جریان این تجمع، شماری دستگیر شدند. (۹۴/۵/۱۵)

زنان معترض، هدف حمله قرار می گیرند



گروهی از زنان معترض به حکم اعدام محمدعلی طاهری در مقابل داد گستری تهران گرد آمدند. آنها پلاکاردهایی در دست داشتند که رویش نوشته شده بود: «محمد علی طاهری را آزاد کنید». ماموران امنیتی و لباس شخصی ها برای پراکنده کردن معترضین به ضرب و شتم و استفاده از باتوم و گاز اشک آور و همچنین شلیک تیر هوایی روی آوردند. آنها دهها تن را در جریان این تجمع، بازداشت کردند. (۹۴/۵/۲۶)

تظاهرات آذربایجان - دهها تن از دختران دانشجو در جریان تجمعی که در دانشگاه تبریز علیه برنامه تلویزیون حکومتی در بی حرمتی به ترک زبانان برگزار شد، شرکت کردند. آنها در شعاری واحد، خواستار پایان یافتن عقاید نژادپرستانه در تلویزیون دولتی بودند. (۹۴/۸/۱۹)



اعتراض پرستاران

جامعه پرستاری در ایران طی سال ۲۰۱۵ چندین بار دست به تجمع های اعتراضی زدند. اعتراض آنها نسبت به طرح غیرانسانی وزارت بهداشت روحانی بود که پرداخت مبتنی بر عملکرد نام داشت. این طرح، حق و حقوق پرستاران را نقض می کرد و هزینه ها را به ازای ساعات کاری آنها، به جیب حامیان دولت می ریخت. کرونولوژی اعتراض پرستاران در اعتراض به این طرح:

تهران، تبریز، یزد، چالوس - ۷ تیر ۹۴

توسط جمعی از پرستاران بیمارستان امام رضا در تبریز دست به اعتراض زدند. این اعتراض ها، روز اول، توسط پرستاران بیمارستان کودکان، روز دوم، پرستاران بیمارستان شهدا و مدنی، روز سوم، پرستاران بیمارستان های رازی و امام رضا در تبریز، روز چهارم، پرستاران بیمارستان رازی و شهدای تبریز و روز پنجم نیز مجدداً توسط بیمارستان امام رضا صورت گرفت.



پرستاران در شهرهای تهران، تبریز، یزد و چالوس در اعتراض به پایین بودن حقوقها و وضعیت بد معیشتی، تجمع کردند. آنها یک فریاد واحد داشتند: درآمدهای ما، کو؟ در پرداخت ها تبعیض و تفاوت وجود دارد! در همین روز، تبریز نیز شاهد تجمع تعداد زیادی از پرستاران بود. آنها در بیمارستانهای مختلف از جمله رازی، مدنی، سینا و شهدای تبریز تجمع داشتند.



همدان - ۹ تیر ۹۴

تجمع اعتراضی پرستاران در مقابل ساختمان مرکزی دانشگاه علوم پزشکی برگزار شد. پزشکان، کادر بیمارستانی، کادر آزمایشگاهی و پرستاران بیمارستان های همدان در اعتراض به اجرای طرح وزارت بهداشت تجمع کرده بودند آنها شعار می دادند: "حرف بس است، عمل کنید!"

تهران - ۹ تیر ۹۴

صدها تن از پرستاران در تهران به خیابان آمدند و اعتراض خود را بیان کردند. اعتراض آنها نسبت به وضعیت نابسامان شغلی و معیشتی بود.



تبریز - ۲۰ تیر

پرستاران بیمارستان های شهدا و کودکان، در اعتراض به طرح وزارت بهداشت روحانی، اعتراض کردند. پرستاران بیمارستانهای رازی و امام رضا در تبریز نیز در اعتراض به وضعیت حقوقشان و بی عدالتی موجود اقدام به تجمع اعتراضی کردند.



تهران - ۲۰ تیر

شماری از پرستاران بیمارستان دیپلماتیک گاندی در سالن همایش شماره دو این بیمارستان، تجمع اعتراضی برگزار کردند.



تهران - ۲۱ تیر

زنان پرستار در تهران که شمارشان از ۷۰ تن تجاوز می کرد، در برابر ساختمان وزارت بهداشت تجمع کردند.

همدان - ۲۱ تیر

بیش از ۱۵۰ تن از پرستاران برای سومین بار، در برابر ساختمان ریاست دانشگاه علوم پزشکی تجمع کردند.

بهبان - ۲۱ تیر

پرستاران بیمارستان مصطفی خمینی تجمع شان را شکل دادند. آنها نسبت به طرح عملکرد وزارت بهداشت، اعتراض داشتند.

کرمانشاه - ۲۲ تیر

برای دومین روز متوالی، پرستاران در بیمارستان امام رضای کرمانشاه، بزرگترین بیمارستان غرب کشور، برای کمبود دستمزد و حقوق دریافتی خود، اعتصاب کردند.

تهران و مشهد - ۲۳ تیر

عده ای از پرستاران بیمارستان روزبه در تهران دست به اعتصاب زدند. یک شاهد عینی گفت، این پرستاران حدود ۵۰ تن بودند و به عملکرد دولت، معترض بودند. در همین روز کارکنان بیمارستان مرکز تخصصی چشم در مشهد از حاضر شدن در محل کار خود خودداری کردند.

شیراز - ۲۴ تیر

بیش از ۲۰۰ پرستار در بیمارستان نمازی شیراز در اعتصاب بودند. شعارشان این بود که ما خواستار اجرای عدالت هستیم.



کرمانشاه و تهران - ۳۰ تیر

پرستاران در کرمانشاه تجمع کردند. آنها نسبت به عدم دریافت حقوق اعتراض داشتند. در همین روز، پرستاران بیمارستان نجمیه تهران هم، اعتصاب خود را برگزار کردند.

تهران - ۳ مرداد

جمعی از پرستاران بیمارستان روزبه تهران اعتصاب کردند. پرستاران نزدیک به ۱۰۰ تن بودند. آنها در حیاط این بیمارستان تجمع کرده و اعتصاب خود را نمایان کردند.

تهران - ۵ مرداد

حدود ۱۵۰ دانشجوی دختر پزشکی در اعتراض به مصوبه وزارت بهداشت مقابل این وزارت خانه تجمع کردند. این تجمع با دخالت حراست وزارت بهداشت و جمع آوری پلاکاردهای دانشجویان و توقیف دوربین های فیلمبرداری آنان، پایان گرفت.



در ۵ مرداد اعتراض دیگری هم توسط پزشکان و دانشجویان پزشکی بیمارستان هزار تختخوابی تهران که اغلب از دختران بودند، در اعتراض به قتل دکتر پیرزاده در اردبیل صورت گرفت.





آنها این قتل را قتلی ناجوانمردانه خواندند و مقصر اصلی آن را سپاه پاسداران دانستند. اصغر پیرزاده، پزشک فوق تخصص

خون و سرطان، روز پنجشنبه اول مرداد/۲۳ ژوئیه در یک خانه مسکونی کشته شد. وی مدتها بود در مورد ارتباط استخراج اورانیوم توسط سپاه پاسداران و آلوده بودن آب بخش هایی از سبلان به رادیو اکتیو هشدار داده بود.

ماکو و کرج - ۷ مرداد

پرستاران بیمارستان خمینی در شهرستان ماکو، روز چهارشنبه ۷ مرداد را در اعتصاب به سر بردند. روز چهارشنبه ۷ مرداد، پرستاران بیمارستان باهنر کرج در شهرک عظیمه اعتصاب کردند. اعتصاب کنندگان از خانم دکتر رزمجویی که در نورآباد ممسنی توسط ماموران به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود حمایت کردند.

کرمانشاه و کازرون - ۸ مرداد

در کرمانشاه، تجمع اعتراضی پرستاران و کادرهای درمانی بیمارستان طالقانی برای پرداخت نشدن سه ماه حق کارانه برگزار شد. در کازرون تجمع پزشکان، پرستاران و کادرهای درمانی در جلوی فرمانداری شهر برگزار شد.



تبریز، لرستان، شیراز، تهران، شیراز، گرگان، کرج، بوکان و سلماس - ۱۲ مرداد

پرستاران بیمارستان رازی در تبریز، تجمع کردند. طبق آنچه در عکس دیده می شود، شعارهایی که در دست پرستاران است، عبارت های «اعتراض» و «تبعیض ممنوع» را برجسته می کند.

در همین روز همچنین پرستاران بیمارستان امام علی در لرستان، پرستاران بیمارستان اردبیهشت در شیراز، پرستاران بیمارستان خاتم



الانبیاء در سلماس، پرستاران بیمارستان موسوم به خمینی در مهاباد، پرستاران بیمارستان هاشمی نژاد در تهران، پرستاران بیمارستان رسالت در تهران، پرستاران بیمارستان رجایی در شیراز، پرستاران بیمارستان مسعود گرگان، پرستاران بیمارستان باهنر در کرج، پرستاران و کارکنان بیمارستان بوکان در اعتراض به طرح عملکرد وزارت بهداشت، تجمع اعتراضی برگزار کردند. آنها یک خواسته داشتند: حق پرستار است که به ازای ساعات کار، حقوق دریافت کند!

اصفهان، کرمان و کاشان - ۹ آذر

در آذرماه نیز تجمع ها ادامه داشت. در ۹ آذر ۹۴ دانشجویان دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی اصفهان با همراهی اساتید خود تجمع اعتراضی برگزار کردند. در همین روز دانشجویان علوم پزشکی کرمان و علوم پزشکی کاشان تجمع داشتند



تهران - ۱۰ آذر

دانشجویان پرستاری علوم پزشکی بهشتی در تهران، روز سه شنبه ۱۰ آذر در اعتراض به طرح جدید وزارت بهداشت با شعار "آینده شغلی دانشجویان پرستاری را نابود می کنید" تجمع اعتراضی برپا کردند.



قزوین - ۲۴ دی

جمعی از دانشجویان دختر دانشگاههای مختلف استان قزوین، در مقابل فرمانداری شهر قزوین دست به تجمع اعتراضی زدند. این تجمع در اعتراض به خاطر بلا تکلیفی خوابگاه دختران دانشجو، و بی عملی کارگزاران حکومتی در رسیدگی به مشکلات دانشجویان برگزار شد.



اعتراض کارمندان، فرهنگیان

طی ماههای اخیر، تعداد زیادی از زنان بعد از مرخصی های زایمان، از مشاغل دولتی اخراج شدند. روز سه شنبه ۱۳ مردادماه، گروهی از این زنان در مقابل مجلس در تهران تجمع کردند. آنها نسبت به اخراج خود معترض بودند و این اقدام دولت را غیرقانونی می خواندند.



در اقدامی دیگر در روز ۱۸ مردادماه، نزدیک به ۲۰۰ تن از معلمان پیش دبستانی به مقابل مجلس رفته اند تا اعتراض خود را در مورد نحوه عملکرد دولت روحانی نسبت به استخدام معلمان بیان کنند. آنها از شب پیش در مقابل مجلس خوابیدند تا تاکید خود بر خواستههایشان را به همه طرف ها نشان دهند. معلمان نسبت به قوانین استخدام که سد راه آنها شده است، معترض هستند. یکی از زنان شرکت کننده در این تجمع گفت، از ما خواسته شد که محل را ترک کنیم و روزی دیگر برای تجمع بیاییم اما ما حاضر به اینکار نشدیم و شب را در مقابل مجلس ماندیم. در ۳۱ شهریورماه نیز مربیان پیش دبستانی گیلان در اعتراض به عدم اجرای قانون حق التدریسی در مقابل ساختمان استانداری گیلان تجمع کردند.



روز ۱۳ مهر نیز از ساعت ۱۰ صبح جمعی از معلمان استان گیلان مقابل اداره کل آموزش و پرورش رژیم در رشت تجمع کردند. تجمع کنندگان خواستار پاسخ به مطالباتشان بودند.

در روز یکشنبه ۲۹ آذر ۹۴ جمعی از زنان معلم پیش دبستانی در مقابل مجلس در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. این زنان معلم که از خرم آباد به تهران آمده بودند، خواستار تعیین وضعیت شغلی و استخدام رسمی بودند.



زنان ایرانی در سال ۹۴



انتشار: سال ۹۴